

# بررسی حکم باروری و بارداری

## به روش نوین\*

- مصطفی اشرفی شاهرودی<sup>۱</sup>
- هادی شمس آبادی<sup>۲</sup>
- سعید ابن حسینی<sup>۳</sup>

### چکیده

با توجه به پیشرفت روز به روز جوامع بشری و تبدیل جامعه سنتی به صنعتی مباحث و مسائل جدیدی به وجود آمده است که بی شک حضور فقه کارآمد، در این میان ضروری به نظر می رسد. از جمله آنها مسائل فقه پزشکی، بارداری و باروری با وسایل نوین از جمله آنها می باشد که در دو حکم تکلیفی و وضعی بررسی شده است.

روایاتی که از استقرار نطفه در رحم بیگانه نهی کرده به نظر نگارندگان با توجه به آیات «حفظ فروج» و «اجتناب از کبائر» می تواند گفت زن باید فرج خود را از هر عمل زشت و شنیعی حفظ و مراقبت کند و شکی نیست که نزد عرف و عقلاء استیلا زنی از منی مرد اجنبی منافات با عقّت زن داشته و موجب شین و تنگ از برای اوست گر چه در شریعت با این عنوان یعنی لقاح مصنوعی از طریق

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۵.

۱. مدرّس دروس خارج حوزه علمیه خراسان.

۲. مدرّس سطوح عالی حوزه علمیه خراسان و دکترای فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی مشهد.

Shamsabadihadi1313@gmail.com.

۳. طلبه سطح چهار حوزه علمیه مشهد (نویسنده مسئول) (Ebnhoseyni@gmail.com).

مرد اجنبی، نهی نشده است لکن اطلاق آیه شریفه شامل چنین تصرّفی نیز می‌شود. البته اصالة الاحتیاط نیز موافق با این حکم می‌باشد و مشهور فقهای فعلی نیز همین نظر را دارند اما نسبت به حکم وضعی نظر واحدی بین فقها یافت نمی‌شود.

**واژگان کلیدی:** حفظ الفروج، بارداری، اهدای اسپرم، زنا، استقرار نطفه

### مقدمه

پردازش فقهی موضوعات و مسایل نوپدید، پیشینه‌ای به قدمت تاریخ فقه دارد. نگاهی از این منظر به احادیث و متون ناظر به مباحث این دانش دیرینه دینی، گزاره‌هایی را پیش ما می‌نهد که گویا گمشده‌ها یا ناگفته‌های علم فقه است که اهل بیت علیهم‌السلام یا سلسلهٔ بلافضل فقیهان شیعه، بدان پرداخته‌اند.

از این منظر، باید نظام دانش فقه را نگاه‌دار جامعهٔ عصری خویش از سویی و ساختاردار، برای پاسخ‌گویی به نیازهای نوآمد از سوی دیگر دانست.

حوزهٔ بُرنای امروز که صدها فقیه را در دامان علمی خود پروریده و پویش متناظر به نیازهای روز دارد، شایسته است با نگاهی دقیق به داشته‌های خویش و ضرورت‌های زمانی و فرازمانی در افق ملّی و جهانی، تدبیری اتخاذ نماید تا با بهره از اصول سدید و قواعد قویم فقه جواهری، موضوعات نوظهور را که گاه در گذشته نبوده یا بوده، اما به گستره و فراگیری این روزگار نبوده را، استقراء و احصاء نموده و با تدوین ابواب فقهی جدید و اضافهٔ فقه به علوم دیگر، هم‌چون ارتباطات، تربیت، مدیریت، حکومت، سیاست، پزشکی و... ساحات آموزشی فراخ و فاخری برای رشد دانش و اندیشهٔ فقهی ایجاد نماید و بدین گونه، تعالی درونی و نیز تعامل علمی با جامعهٔ هم‌عصر را رقم زند (بطحایی، سایت تبیان، هفته نامه افق حوزه).

### سؤالات تحقیق

۱. آیا فقه اسلامی موافق با چنین کارهایی هست؟ مثلاً تشکیل بانک اسپرم، مجوّز شرعی دارد؟
۲. آیا بارداری، از راه‌هایی غیر از نزدیکی زوجین جایز است؟

## ۱. تعریف اهدا اسپرم

اهدای اسپرم یا **Sperm donation**، به معنای اهدای مایع منی حاوی اسپرم‌های آزاد شده به هنگام انزال است و به کمک این روش، افراد و زوجین می‌توانند بچه‌دار شوند. اسپرم اهدا شده می‌تواند به داخل اندام‌های تولید مثل زن تزریق شود (**intrauterine insemination**) و یا برای بارورسازی تخمک‌های بالغ در آزمایشگاه (**in vitro fertilization**) استفاده گردد.

فقیهان و حقوق‌دانان، می‌بایست پایه‌پای زیست‌شناسان و پزشکان در فرایند تولید غیرطبیعی انسان حرکت نموده و ضمن حل مشکلات و نارسایی‌های محتمل، انسان را در پیمودن طریق کمال رهنمون باشند. بر پایه این هدف، همزمان با تولد نخستین انسان آزمایشگاهی در سال ۱۹۷۸ و فراگیر شدن شیوه‌های مصنوعی درمان نازایی از جمله «اهدای جنین» در دهه‌های اخیر، عالمان فقه و حقوق، مباحث جدی در موافقت و مخالفت با این شیوه‌ها طرح نموده‌اند. حکومت اسلامی نیز در راستای تسهیل امور مردم، قانون اهدای جنین را در سال ۱۳۸۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رساند.

تولید مثل مصنوعی، تحت دو عنوان «شبه‌سازی» و «باروری‌های پزشکی» انجام می‌شود. در روش اول، از سلول‌های جسمی و در روش دوم، از سلول‌های جنسی استفاده می‌گردد. در روش اخیر، گاه از سلول‌های جنسی زن و شوهر و گاه به دلیل نارسایی‌های خاص از اسپرم، تخمک یا رحم فرد سوم استفاده می‌شود. روش‌های درمانی زوجین، با توجه به نارسایی‌های آنان، به چند صورت انجام می‌شود:

۱. «اهدای اسپرم»، در صورت نارسایی سلول جنسی مرد، از اسپرم فرد ثالث استفاده می‌شود.

۲. «اهدای تخمک»، در صورت معیوب بودن سلول جنسی زن، از تخمک فرد ثالث استفاده می‌شود.

۳. «اجاره رحم» یا «مادر جانشین»، در این روش جنین حاصل از سلول‌های جنسی زوجین در رحم زن ثالثی پرورش یافته و پس از وضع حمل، به زوجین برگردانده می‌شود.

۴. «اهدای جنین»، در این روش، زوجین بیمار از جنین حاصل از اسپرم و تخمک زن و مرد دیگر - اعم از اینکه بین آن دو رابطه زوجیت باشد یا نه - در محیط آزمایشگاه استفاده کرده و جنین اهدایی به رحم زوجه منتقل می‌گردد.

بنابراین، اهدای جنین یک شیوه درمان نازایی است که بر اساس آن اسپرم مرد و تخمک زن گرفته شده و در محیط آزمایشگاه در مجاورت یکدیگر قرار داده می‌شود تا پس از لقاح و تقسیمات اولیه و حداکثر تا چهار روز از زمان لقاح، به رحم زن متقاضی منتقل گردد. از این روش، با علامت اختصاری «(I.V.F)»، یعنی باروری در لوله آزمایشگاه یاد می‌شود. هم‌چنین، می‌توان از جنین‌هایی که قبلاً منجمد شده‌اند نیز استفاده نمود، گرچه درصد موفقیت کمتری دارند (رک. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ۳۳؛ نایب‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۷؛ غانم، ۱۴۲۱ق: ۲۳۵، به نقل از مجله تخصصی مطالعه راهبردی زنان شماره ۱۳۸۵: ۳۳، اهدای جنین در پرتو فقه و حقوق).

این روش در نزد فقهای بزرگ، موافقان اندک و مخالفان زیاد دارد. یعنی اکثر فقها مخالفند که به نقد و بررسی استدلال‌ها، خواهیم پرداخت. البته این عمل، گاهی بین تخمک و اسپرم زوجین انجام می‌شود که در این نوشتار مورد بحث قرار نمی‌گیرد. بنابراین، موضوع نوشتار حاضر، جایی است که اسپرم اهدایی از شخص بیگانه است، که حکم تکلیفی و وضعی آن بررسی می‌شود.

## ۲. بررسی حکم تکلیفی

### ۱-۲. استدلال به آیات حفظ الفروج

آیاتی که مشهور فقها در باب حرمت استدلال نموده‌اند، آیات «حفظ الفروج» می‌باشد:

- ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ (نور/ ۳۰ و ۳۱).
- ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ \* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ﴾ (مؤمنین/ ۵-۶).

- ﴿وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ﴾ (احزاب/۳۵).

کلمه فُرُوج جمع «فَرَج» است. ماده «فَرَج» در اصل به معنای «گشودگی» و شکافی است که در چیزی یا بین دو چیز افتاده باشد، چنانکه «فُرْجَة» در دیوار و مانند آن به معنای «شکاف» است و «فَرْجَة» به معنای رها شدن از غم و غصه می‌باشد و «فروج» به معنای مرزهایی که بیم نفوذ دشمن از آن می‌رود و نیازمند مراقبت بیشتر است، به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴/۴۹۹).

به شرمگاه‌های انسان (چه در جلو و چه در عقب)، از این جهت که بین دو پا قرار گرفته، به نحو کنایه‌ای «فَرَج» و «فروج» گفته شده تا هم از طرفی، از تصریح به تعبیر قبیح خودداری شود و هم به نوعی، با این تعبیر بر ضرورت حفظ و مراقبت از آن تأکید شود (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۴۷/۹).

«حافظ»، اسم فاعل از ماده «حفظ» است که تعبیر «حفظ و نگهداری» در زبان فارسی هم رواج دارد و عموماً آن را به معنای «مراعات چیزی را کردن» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۴/۲) یا «فراموش نکردن و در قبال نگهداری از چیزی متعهد شدن» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۲۴۴) و یا «هرگونه مراقبت و ضبط [نگهداری]» (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۲۵۳/۲) دانسته‌اند.

## ۲-۲. طریقه استدلال به آیات در روایات

شیخ محمد سند می‌نویسد:

تقریب الاستدلال انَّ الحفظ فی الآیة، قد أسند إلى ذات الفرج وحيث انَّ معنى الحفظ معنى إضافی وعدمی، فلا بد من تقدیر الفعل أو الأفعال المناسبة نظیر قوله تعالی ﴿وَحَرَّمَ عَلَیْكُمْ الْمِیْتَةَ وَالدَّمَ﴾، فإنه یقدر الأكل أو مطلق المنافع کالبيع ونحوه، وكذلك الحال فی المقام اللازم تقدیر فعل الجماع وطلب الولد، فلا یقتصر علی الأول (بحرانی، ۱۴۲۳: ۷۵).

همچنین طبق اطلاق آیه شریفه که امر به حفظ فرج نموده، می‌توان گفت زن باید فرج خود را از هر عمل زشت و شنیعی حفظ و مراقبت کند و شکی نیست که نزد عرف و عقلا، استیلاذ زن از منی مرد اجنبی منافات با عفت زن داشته و موجب شین و

تنگ از برای اوست، گرچه در شریعت با این عنوان، یعنی لقاح مصنوعی از طریق مرد اجنبی، نهی نشده است، لکن اطلاق آیه شریفه شامل چنین تصرّفی نیز می‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه متعلق حفظ ذکر نشده، می‌توان عام در تقدیر گرفت، در این صورت، حفظ فروج من هر شیئی واجب است... خواه با زنا مستقیم باشد، خواه با ارسال منی با وسایل پزشکی.

## ۲-۳. نقد قائلان به جواز نسبت به استدلال مذکور

- آیات مزبور، ناظر به زنان و روابط نامشروع با مردان بیگانه است؛  
 - چراکه سیاق آیات مزبور نشان می‌دهد که معنای قطعی آنها، نگهداری فروج از غیر همسران و کنیزان، حفظ از زنان و مردان بیگانه و دوری از هر نوع عمل با انگیزه بهره‌برداری جنسی است. در واقع، مفاد آیات کنایه از این است که مرد و زن فاقد زوجیت و یا ملکیت (در نظام برده‌برداری) از یکدیگر لذت نبرند.  
 - قرائنی چون ﴿يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾ (نور/۳۰ و ۳۱) و آیه ﴿إِلَّا عَلَىٰ أَوْجَاهِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ﴾ (مؤمنون/۶) به روشنی حاکی از این است که مقصود مراقبت از فروج، غیر از موارد مزبور در مستثنی در امور جنسی است و نه هر آنچه که به نحوی با فروج مرتبط می‌شود.  
 به عبارت دیگر، آیات درصدد بیان حرمت تلذجوی می‌باشند، لذا معنای آیه این است: «الذین یحفظون فروجهم من التذاذ» که مصداق اصلی آن زنا می‌باشد.  
 همچنین، مؤید این برداشت، روایتی است که ابی عبدالله علیه السلام، آیه مذکور را در باب تمتعات و لذت‌های جنسی، به عنوان روایت تعلیمی استفاده کرده‌اند:

عن ابی ساره قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام عنها - یعنی المتعة - فقال لی: حلال فلا تزوج إلا عقیفة... إن الله عزوجل یقول: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ فلا تضع فرجك حیث لا تأمن علی درهمك (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۴۵۳).

همچنین، دقت در شأن نزول آیات، می‌تواند فقیه را در برداشت صحیح از آنها کمک نماید. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که جوانی از انصار، در مسیر خود با زنی روبرو شد - و در آن روز زنان، مقنعه خود را در پشت گوش‌ها قرار می‌دادند (و طبعاً

گردن و مقداری از سینه آنها نمایان می‌شد) - چهره آن زن، نظر جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت. هنگامی که زن گذشت، جوان هم چنان با چشمان خود او را بدرقه می‌کرد، در حالی که راه خود را ادامه می‌داد، تا اینکه وارد کوچه تنگی شد و باز، همچنان به پشت سر خود نگاه می‌کرد، ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه‌ای که در دیوار بود، صورتش را شکافت! هنگامی که زن گذشت، جوان به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه‌اش ریخته! (سخت ناراحت شد) و با خود گفت به خدا سوگند، من خدمت پیامبر ﷺ می‌روم و این ماجرا را بازگو می‌کنم، هنگامی که چشم رسول خدا ﷺ به او افتاد، فرمود چه شده است؟

جوان ماجرا را نقل کرد. در این هنگام جبرئیل، پیک وحی خدا نازل شد و آیه فوق را آورد ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ (نور/۳۰)، لذا این سوره در حقیقت، سوره عفت و پاکدامنی و پاکسازی از انحرافات جنسی است.

بنابراین، آیه در باب کامجویی است که مصداق کامل آن زنا است، البته بعضی از روایات، «حفظ الفروج» را نص در زنا دانسته‌اند و فقط این آیه را استثنا کرده‌اند که دلالت بر حفظ نگاه می‌کند:

- فَقَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾  
فَنَهَاهُمْ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَى عَوْرَاتِهِمْ وَأَنْ يَنْظُرَ الْمَرْءُ إِلَى فَرْجِ أُخِيهِ وَيَحْفَظَ فَرْجَهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ  
وَقَالَ: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ مِنْ أَنْ تَنْظُرَ  
إِحْدَاهُنَّ إِلَى فَرْجِ أُخْتِهَا وَ تَحْفَظَ فَرْجَهَا مِنْ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا وَ قَالَ كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ مِنْ  
حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزَّانَا إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۶).

حتی می‌توان گفت: تقابل میان جمله «یغضوا من ابصارهم» با جمله «یحفظوا فروجهم»، این معنا را می‌رساند که مراد از حفظ فروج، پوشاندن آن از نظر نامحرمان است، نه حفظ آن از زنا و لواط که بعضی پنداشته‌اند. در روایت هم، از امام صادق علیه السلام نقل شده که می‌فرماید: تمام آیاتی که در قرآن، درباره حفظ فروج هست، به معنای حفظ از زنا است، به غیر این آیه که منظور آن، حفظ از نظر است.

بنابراین، ممکن است جمله اول از این دو جمله را، با جمله دوم تقیید کرده و گفت

مدلول آیه، تنها نهی از نظر کردن به عورت و امر به پوشاندن آن است، لذا می‌بینیم اکثر فقها، به این آیه در وجوب تستر در باب قضاء حاجت استدلال کرده‌اند.

علامه، حلی در کتاب **منتهی‌المطلب** وجوب ستر را برداشت کرده و می‌نویسد: «ذلك يدل على وجوب الاستتار» (حلی، ۱۴۱۲: ۲۳۷/۱). در کتاب **من لا يحضره الفقيه** نیز، همین نظر آمده است (صلوق، ۱۴۱۳: ۱۱۴/۱).

بدین ترتیب، با توجه به آنچه گذشت باید گفت که آیات «حفظ الفروج»، دو معنا دارند: «حفظ الفروج من الزنا» و «حفظ الفروج من النظر».

و اگر بخواهیم معنای عام‌تری در نظر بگیریم، باید گفت که «حفظ الفروج من التذاذ...»، یعنی باید از کامجویی حفظ کنیم، مگر از همسران... .

در بحث **IUI** هیچ‌گونه زنا صدق نمی‌کند و نگاه از طرف انتقال دهنده اسپرم هم، وجود ندارد. همچنین، انتقال دهنده اسپرم از گیرنده تخمک، لذت و کامجویی ندارد.

## ۲-۴. پاسخ به اشکال‌های قائلین به جواز

پذیرفتن سخن اشکال‌کنندگان، فرع بر پذیرش روایت مذکور و قابلیت تخصیص آیه به روایت مذکور می‌باشد که به نظر نگارنده، روایت مذکور به جهت عدم اطمینان به سند آن، قابلیت تخصیص آیه را ندارد، چراکه هرچند روایات تفسیر علی بن ابراهیم و روایاتی که در طریق تفسیر مذکور واقع شده‌اند، توثیق عام دارند، ولی معلوم نیست که تمام روایات در کتاب موجود، همان روایات در اصل کتاب باشد، زیرا روایات تفسیر ابی‌الجارود، بعداً به کتاب مذکور اضافه شده (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸: ۳۰۴/۴)، چنان‌که برخی نسخ، روایات متفرقه دیگری را به این کتاب اضافه کرده‌اند. در نتیجه، نمی‌توانیم به طور جزم بگوییم که تمام روایات مذکور از خود علی بن ابراهیم نقل شده و عین کتاب تفسیر علی بن ابراهیم بوده و بدون کم و زیاد به دست ما رسیده است.

با این بیان، اشکال اول در تمسک به آیه شریفه قابل رفع است، زیرا جای تشکیک و مناقشه در اعتبار روایت مذکور وجود داشته و در نتیجه، این روایت نمی‌تواند مختص اطلاق آیه شریفه باشد و از طرف دیگر، بنا به گفته فخر رازی، منعی از تمسک به اطلاق در آیه شریفه وجود ندارد (رازی، ۱۴۰۱: ۲۳ / ۲۰۲). گرچه در آیه



شریفه، قرائنی در سیاق کلام وجود دارد که مؤید روایت مذکور است، از جمله این که قبل و بعد از جمله مذکور «يَحْفَظَنَّ فُرُوجَهُنَّ»، امر به غضب بصر و مراقبت زن از نظر حرام و حفظ زینت، از نظر اجنبی شده است ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ (نور/۳۱).

همچنین، حفظ فرج در آیه شریفه، منصرف است به آنچه که نزد عقلا و عرف، خلاف حفظ بوده و موجب شین و عار برای زن است، لذا آیه شریفه در دلالت بر منع از تلقیح مصنوعی از منی مرد اجنبی، قصوری ندارد و از طرف دیگر، وقتی حفظ فرج از نظر اجنبی واجب باشد، به طریق اولی استیلاذ زن به وسیله منی اجنبی واجب خواهد بود.

شاهد این برداشت، آیه شریفه است که می فرماید: ﴿لَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ﴾ (انعام/۱۵۱). فواحش، جمع فاحشه است و بنا بر نظر لغویین، به معنای هر فعل ناپسند است («ما عظم قبحه») (قرشی، ۱۴۱۲: ۵/۱۵۳).

با این بیان، فاحشه اختصاص به زنا ندارد، گر چه در برخی روایات تفسیر به زنا و سرقت شده است، ولی این تفسیر از باب بیان اظهر مصادیق فاحشه بوده و مانع از تمسک به اطلاق نیست و چون باردار شدن زن با منی مرد اجنبی، از نظر عرف و عقل ناپسند و یکی از مصادیق فاحشه است، طبق اطلاق آیه شریفه ممنوع است.

## ۲-۵. استدلال به آیه اجتناب از کبائر در حرمت عمل مذکور

﴿الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى﴾ (نجم/۳).

آیه شریفه، در مقام ذکر برخی از صفات مؤمنین است. از جمله این صفات، اجتناب از فواحش است ﴿الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ﴾، یعنی اموری که در عرف مردم زشت و شنیع است و بی شک، یکی از امور زشت و ناپسند در عرف این است که زنی، منی مرد اجنبی را جهت حامله شدن، داخل رحم خود نماید، خصوصاً اگر زن، شوهردار باشد.

**اشکال:** این امر، نسبت به آداب اقوام مختلف متفاوت می‌باشد. حال، صحیح است که نزد برخی، خصوصاً افراد متشرع، چنین کاری قبیح محسوب می‌شود، ولی نزد برخی از اقوام، قبیح نیست، چنانکه در دوران جاهلیت، برخی اقوام، برای این که فرزند شریفی داشته باشند، به همسران خود اجازه می‌دادند که با فرد شجاع و کریمی همبستر شده و از او حامله شود. در عصر حاضر نیز، چنین عملی در کشورهای غربی، عیب و عار نیست، خصوصاً برای مردی که نطفه او قابلیت برای حاملگی را نداشته و انتقال منی از اجنبی با غیر مقاربت اصطلاحی و بدون عمل شنیع زنا، یعنی به وسیله ابزار پزشکی صورت می‌گیرد که در این صورت، از نطفه مرد دیگر برای بچه دار شدن همسر خود استفاده می‌کنند.

در نتیجه، فاحشه بودن چنین عملی نسبت به همه مردم ثابت نیست، بلکه نسبت به آداب و اقوام مختلف متفاوت است و این طور نیست که همه مردم، باردار شدن همسر خود را به وسیله زنا یا بدون زنا، امر قبیح و زشتی تلقی کنند، اگرچه نزد مسلمین، خصوصاً متدینین که حفظ حجاب و تستر زن را لازم می‌دانند، امر قبیح و زشتی محسوب می‌شود.

**جواب:** ممکن است فعل منکر در بین مردم، به جهت شیوع و تکرار زیاد یا ترک نهی از منکر، از حالت منکر خارج شود، لکن اگر به فطرت سلیم انسانی رجوع شود، چنین عملی، امر شنیع و منکر محسوب می‌شود، حتی در بین حیوانات که راضی نمی‌شوند کسی کنار همسرشان قرار گیرد، تا چه رسد که با او همبستر شود. انسان نیز، فطرتاً راضی نمی‌شود که همسرش با مرد اجنبی همبستر شود یا از منی اجنبی حامله و بچه‌دار شود، گرچه از طریق زنا نباشد و اگر هم چنین عملی در گذشته بوده، امر استثنایی و مخالف با فطرت انسانی بوده و موجب تغییر فطرت سلیم انسانی نمی‌شود.

**اشکال:** ما ابتدا انتقال منی اجنبی را، امر منکر مسلم فرض کرده، سپس نتیجه می‌گیریم که چنین عملی جائز نیست و این ابتدای مناقشه است، زیرا چرا امر قبیحی باشد، خصوصاً اگر هیچ ارتباط نامشروعی بین زن و مرد اجنبی در این انتقال صورت نگیرد.

**جواب:** نفس انتقال منی فرد اجنبی به رحم زن، خصوصاً زن شوهردار، با قطع نظر

از دستورات شرع مقدس، نزد عرف نیز امر شنیع و منکری است و به نظر، اشکال مذکور پذیرفته نیست. از این رو، می‌توانیم برای حرمت چنین عملی به اطلاقات آیات شریفه قرآن تمسک نموده و قائل شویم که چنین عملی، خلاف مذاق شرع مقدس و خلاف فطرت سلیم انسانی است، علاوه بر این که به روایات متعددی نیز در این زمینه تمسک شده است.

### ۳. نقد و بررسی روایات در استدلال به حرمت

#### ۳-۱. حدیث اول

«عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، رَجُلٌ أَقْرَبُ نُطْفَتَهُ فِي رَحِمٍ يَحْرُمُ عَلَيْهِ» (عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱۸/۲۰).

قائلین به جواز، استدلال به روایت را صحیح نمی‌دانند، چرا که در سلسله سند روایت، علی بن سالم می‌باشد که واقفی بوده و توثیق نشده است.

پاسخ: با توجه به اینکه مرحوم کشی، وی را یکی از اصحاب اجماع دانسته و از طرفی، نقل روایت قبل از توقّف و انحراف وی بوده، اشکال وارد نیست. اما با توجه به آن که علی بن سالم، همان علی بن حمزه بطائنی است که از سران واقفیه بوده و توثیق نشده است، اما شخصیت‌های بزرگی همچون مرحوم کلینی از ایشان حدیث نقل نموده‌اند، لذا برخی قائلند که علی بن ابی حمزه، اگرچه واقفی است، ولی روایاتی که قبل از انحراف و توقّف وی از او نقل شده، معتبر است.

**کیفیت استدلال:** در روایت مذکور، اسقرار نطفه به صورت مطلق مورد مذمت قرار گرفته و اختصاصی به استقرار منی از طریق زنا ندارد. بنابراین اطلاق، شامل تلقیح مصنوعی می‌شود، در نتیجه همان گونه که قرار دادن نطفه در رحم زن اجنبی، از راه زنا به وسیله دخول که راه معمول است، حرام می‌باشد، از راه غیر معمول یعنی «تلقیح مصنوعی» نیز، با توجه به اطلاق این روایت حرام خواهد بود.

**اشکال دلالی:** با دقت در فقه الحدیث روایت و الفاظ استفاده شده در روایت،

متوجه می‌شویم که مذمت متوجه کسی شده که خود، نطفه‌اش را در رحم زن اجنبی قرار می‌دهد «رَجُلٌ أَقْرَ نُطْفَتَهُ فِي رَحِمٍ يَحْرُمُ عَلَيْهِ»، که این کلام کنایه از همان زنای مذموم است. در نتیجه، این روایت اخص از مدعی است، چرا که بحث در انتقال نطفه مرد اجنبی به رحم زن اجنبیه با وسایل پزشکی به غیر زنا و از طریق مشروع، توسط زن و یا طیب است، لذا حرمت روایت شامل محل بحث نمی‌شود.

### ۳-۲. حدیث دوم

«أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَحْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا مِنْ ذَنْبٍ أَكْبَرَ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعْدَ الشَّرْكِ مِنْ نُطْفَةِ حَرَامٍ وَصَعَهَا امْرَأُ فِي رَحِمٍ لَا تَحِلُّ لَهَا» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴/۳۳۵؛ کوفی، بی‌تا، ۱/۹۹).

**بررسی سند:** این روایت از علی بن جعفر در کتاب **جعفریات** یا **اشعثیات** نقل شده است. بخشی از روایات علی بن جعفر، در کتاب **قرب الاسناد** ذکر شده و بخشی دیگر در اشعثیات و برخی نیز در جعفریات «کتب منسوب به علی بن جعفر» ذکر شده است. مرحوم صاحب وسائل ادعا کرده که کتاب علی بن جعفر را در اختیار داشته و سند خود را به کتاب نقل می‌کند. بر این اساس، آیت الله خوئی روایاتی که شیخ حر عاملی از علی بن جعفر نقل کرده را معتبر می‌داند.

ولی برخی از نسخ در اشعثیات و جعفریات، دست برده و برخی روایات را اضافه نموده‌اند (ضمیری، ۱۳۸۲: ۳۶۴)، از همین جهت یقین نداریم که عین متن روایات علی بن جعفر را نقل کرده باشند، فلذا مرحوم آیت الله خوئی اصرار داشتند که حتی کتبی که به دست محمدین ثلاث رسیده، سند خودشان را باید به صاحب کتاب بیان کنند تا معلوم شود سند این افراد به کتبی که از اصحاب کتب نقل کرده‌اند معتبر بوده است یا نه. در هر صورت، چون این روایات در کتاب اشعثیات بوده و احتمال مذکور وجود دارد، مجال برای مناقشه سندی در حدیث وجود دارد.

علاوه بر این که، همان احتمال حمل بر زنا که در روایت قبل ذکر شد، به قرینه عبارت «وَصَعَهَا»، در این روایت نیز وجود دارد، چراکه وضع منی توسط فرد مذمت

شده، که ظهور در عمل زنا دارد و بحث ما اعم از این مورد است. از این جهت، روایت شامل انتقال نطفه توسط خود زن و انتقال به صورت مشروع نمی‌شود و از طرفی، اسناد وضع به صاحب منی در موردی که انتقال نطفه توسط طیب و یا خود زن صورت می‌گیرد، اسناد مجازی است.

### ۳-۳. حدیث سوم

«عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُوسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ وَطِئَ امْرَأَتَهُ، فَتَقَلَّتْ مَاءَهُ إِلَى جَارِيَةٍ بَكْرٍ، فَحَبَلَتْ، فَقَالَ: الْوَلَدُ لِلرَّجُلِ وَعَلَى الْمَرْأَةِ الرَّجْمُ وَعَلَى الْجَارِيَةِ الْحَدُّ» (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۸/۱۶۹).

**کیفیت استدلال:** در این روایت، حکم به اجرای حد شرعی بر جاریه‌ای که به وسیله مساحقه با زنی، منی شوهر آن زن را به رحم خود منتقل کرده، شده و این در حالی است که این انتقال، به وسیله زنا نبوده است. از این حکم استفاده می‌شود که نفس ادخال منی مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه، حرام است.

**اشکال:** ممکن است علت جریان حد بر جاریه، به این دلیل بوده که انتقال نطفه به صورت غیر مشروع، یعنی به واسطه مساحقه انجام گرفته است. به عبارت دیگر، علت لزوم حد شرعی، مساحقه جاریه بوده و از این جهت، حکم به جریان حد بر وی شده، نه صرف انتقال نطفه اجنبیه در رحم خود و اما علت این که حکم جاریه با حکم زن حرّه متفاوت ذکر شده، از این جهت بوده که حد کنیز در روایات، کمتر از حرّه است. علاوه بر این اشکال در دلالت، روایت ضعیف السند است، زیرا معلی بن خنیس را برخی توثیق نکرده‌اند، گرچه آیت الله خوئی وی را توثیق نموده است.

### ۳-۴. حدیث چهارم

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ وَمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: إِذَا جَمَعَ الرَّجُلُ أَرْبَعًا وَطَلَّقَ إِحْدَاهُنَّ، فَلَا يَنْزُوجُ الْخَامِسَةَ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّةَ الْمَرْأَةِ الَّتِي طَلَّقَ، وَقَالَ: لَا يَجْمَعُ مَاءَهُ فِي خَمْسٍ» (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۵۱۸).

**مفاد روایت:** مردی که چهار زن دارد، نمی‌تواند زن پنجم اختیار کند مگر بعد از طلاق زن چهارم و اتمام عده او، از این جهت، قرار دادن منی مرد در زن پنجم ممنوع است. از این روایت به خوبی استفاده می‌شود که قرار دادن نطفه در رحم زن، به غیر از ازدواج مشروع، جائز نیست.

### ۳-۵. حدیث پنجم

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّزْنَا شَرٌّ أَوْ شُرْبُ الْخَمْرِ وَكَيْفَ صَارَ فِي شُرْبِ الْخَمْرِ تَمَانُونَ وَفِي الرَّزْنَا مِائَةٌ، فَقَالَ: يَا إِسْحَاقُ، الْحَدُّ وَاحِدٌ وَلَكِنْ زَيْدٌ هَذَا لِتَضْيِيعِهِ النَّطْفَةَ وَلَوْضَعِهِ إِيَّاهَا فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ» (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۳۵۳).

### ۳-۶. حدیث ششم

آخرین روایتی که در این بحث تمسک شده، روایت اسحاق بن عمار است:  
 «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّزْنَا شَرٌّ أَوْ شُرْبُ الْخَمْرِ وَكَيْفَ صَارَ فِي شُرْبِ الْخَمْرِ تَمَانُونَ وَفِي الرَّزْنَا مِائَةٌ؟ فَقَالَ: يَا إِسْحَاقُ، الْحَدُّ وَاحِدٌ وَلَكِنْ زَيْدٌ هَذَا لِتَضْيِيعِهِ النَّطْفَةَ وَلَوْضَعِهِ إِيَّاهَا فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ» (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۳۵۳).

**مفاد روایت:** در این روایت، اسحاق بن عمار به امام صادق عليه السلام عرض می‌کند: زنا بدتر است یا شراب‌خواری؟ و چرا در نوشیدن شراب هشتاد تازیانه، ولی در زنا صد تازیانه مقرر گردیده است؟ حضرت در جواب می‌فرماید: ای اسحاق، حد یکی است، لیکن این مقدار زائد بدین سبب افزوده شده که زنا، سبب از بین بردن نطفه و قرار دادن آن در غیر جایگاهی می‌شود که خداوند، به آن دستور داده است.

محل شاهد در روایت مذکور این عبارت است: «وَلَكِنْ زَيْدٌ هَذَا لِتَضْيِيعِهِ النَّطْفَةَ وَلَوْضَعِهِ إِيَّاهَا فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ». این تعلیل، قاعده کلی را بیان می‌کند و به مقتضای این تعلیل، قرار دادن نطفه در غیر موضعی که امر شده «غیر ما

أمر الله به»، امری نامشروع، تضييع نطفه و مستحق حدّ شرعی است و یکی از مصادیق آشکار آن، قرار دادن نطفه در غیر زوجه و ملک یمین است. شاهد این روایت، آیات متعدّد دیگری است که جواز قرار دادن نطفه را، محصور در همسر و ملک یمین قرار داده‌اند، از جمله:

﴿يَسْأَلُكُمْ خِزْتُ لَكُمْ فَأْتُوا حَزْنَكُمْ أَنِّي سِئَمٌ﴾ (بقره/۲۲۳): ﴿لَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ﴾ (بقره/۲۲۲). این دسته از آیات، کبرای مسأله را بیان می‌کند «فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ»، چنان که روایت مذکور، صغرای مسأله را بیان می‌کند که قرار دادن نطفه در غیر ما امر الله، تضييع نطفه و خلاف شرع مقدس است.

#### ۴. استدلال به ارتکاز متشرّعه

برخی گفته‌اند چنین عملی نزد متشرّعه، امری قبیح و منکر محسوب می‌شود، اگر چه در دوران جاهلیت رسم بوده که برخی از مردم، دختران یا کنیزان خود را در اختیار صاحبان کرم و افراد خوش سیما قرار می‌دادند تا این که فرزند صاحب کرامت و خوش سیما، از آنان متولّد شود و این کار، نه تنها نزد آنان قبیح نبوده، بلکه تا حدّی شایع و متعارف بوده است، تا جایی که به آن مباحثات هم می‌کردند. چنان که معاویه، عبید الله بن زیاد را که توسط پدرش ابوسفیان، به وسیله زنا به دنیا آمده بود، به عنوان برادر خود اختیار کرد و برای این امر، جشن مفصلی هم گرفت. سپس، اسم عبید الله بن زیاد را به عبید الله بن ابی سفیان تغییر داد. در نتیجه، چنین اعمالی در دوران جاهلیت، امر منکری نبوده است.

آیت الله بروجردی، در کتاب **جامع الاحادیث**، آیات و روایات فراوانی را نقل نموده که بر اهمّیت احتراز و مراقبت زن از نامحرمان دلالت می‌کنند تا این که زن، محفوظ مانده و موجب تحریک و تعرّض نامحرمان واقع نشود و از تبعات آن، همچون چشم‌چرانی مردان یا زنا در امان بماند. مانند این که نباید زن و مرد نامحرم، در اتاق خلوت قرار گیرند، نباید زنان در طّی طریق خود، از وسط راه عبور کنند و یا این که نباید با صدای نازک و تحریک کننده، با نامحرم سخن گویند: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ

فَيْطَمَعِ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا وَقُرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ﴿احزاب / ۳۲﴾.

از مجموع این آیات و روایات، استفاده می‌شود که نهایت تحفظ زنان مورد توجه و ترغیب شارع مقدس بوده، تا این که هم زن محفوظ بماند و هم، فرزند حرام متولد نشود و از تبعات وجود فرزند زنا در اجتماع جلوگیری شود. برابر این آیات و روایات، امثال این امور در شرع مقدس و نگاه متشرعه ممنوع است و این ادعا که بگوییم ارتکاز متشرعه از شرع مقدس، خلاف این است، صحیح نیست و در مقابل، داخل کردن منی مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه، خلاف ارتکاز متشرعه است.

### ۵. استدلال به اصالة الاحتياط

در دین مقدس اسلام، در موضوعاتی که در حرمت آن شک وجود دارد، اگرچه اصل برائت جاری می‌شود، لکن در برخی موارد خاص، اصل اولیه احتیاط بوده و بر آن نیز تأکید شده است، مانند موارد نفوس، فروج و اموال. در دلیل لزوم احتیاط، به عنوان اصل اولیه در مورد فروج، دو بیان وجود دارد که بیان اول توسط مرحوم نائینی ذکر شده است:

#### ۵-۱. تقریب اول

اگر حکم ترخیصی، اعم از وضعی و تکلیفی، معلق بر امر وجودی شود، نتیجه این تعلیق آن است که اگر آن امر وجودی احراز نشود، احتیاط لازم است. مثلاً، حلیت تمتع از زنان که حکم تکلیفی است، مشروط و معلق شده بر این که زن، یا همسر فرد باشد یا ملک یمین وی، که هر دو مورد امر وجودی هستند و اگر شک در جواز تمتع نسبت به غیر این دو مورد شود، اصل اولیه لزوم احتیاط است و یا ملکیت در مباحات اولیه که حکم وضعی است، معلق شده بر حیازت که امر وجودی است و اگر شک در ملکیت در غیر مورد حیازت کنیم، اصل اولیه احتیاط است.

هنگام شک در چنین مواردی، نیازی به تمسک به ادله عامه احتیاط مثل «قف عند الشبهة، فإن الوقوف عند الشبهة خیر من الافتحام فی الهلکة» نداریم، زیرا با اتفاء امر





فَطَلَّقَهَا عَلَى غَيْرِ السُّنَّةِ، وَقَدْ كَرِهَ أَنْ يُقَدِّمَ عَلَى تَزْوِجِهَا حَتَّى يَسْتَأْمَرَكَ، فَتَكُونُ أَنْتَ تَأْمُرُهُ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هُوَ الْفَرْجُ وَأَمْرُ الْفَرْجِ شَدِيدٌ، وَمِنْهُ يَكُونُ الْوَلَدُ، وَنَحْنُ نَحْتَاطُ، فَلَا يَتَزَوَّجُهَا» (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۲۵۸).

**کیفیت استدلال:** منشأ شک و سؤال راوی در جواز ازدواج با این زن، طلاق زن از شوهر قبل خود، بر خلاف سنت است. حال، در عبارت «فَطَلَّقَهَا عَلَى غَيْرِ السُّنَّةِ» دو احتمال وجود دارد: احتمال اول این که طلاق مطلقاً صحیح واقع نشده است. احتمال دوم این که بنابر مذهب امامیه صحیح واقع نشده است. مثلاً در مجلس واحد، سه طلاق واقع شده یا طلاق بدون حضور دو شاهد عادل بوده است، بنابر هر دو فرض، در لزوم احتیاط فرقی نمی کند، زیرا از کلام امام «أَمْرُ الْفَرْجِ شَدِيدٌ وَمِنْهُ يَكُونُ الْوَلَدُ وَنَحْنُ نَحْتَاطُ، فَلَا يَتَزَوَّجُهَا» استفاده می شود که رعایت احتیاط در امور مرتبط به تمتع از فرج یا بارداری و استیلا، امری لازم و شایسته است و همین جمله، برای استدلال در محل بحث کافی است.

**اشکال:** مراد از عبارت «فَطَلَّقَهَا عَلَى غَيْرِ السُّنَّةِ»، یکی از دو احتمال است:

۱. مراد از طلاق غیر سنت، یا این بوده که زن و مرد هر دو شیعه هستند، ولی زن برخلاف موازین طلاق گرفته است، یعنی طلاق مطابق فقه امامیه واقع نشده است. بدیهی است که چنین طلاقی، نافذ نبوده و این زن بر نکاح با شوهر اولش باقی است و به هیچ عنوان، ازدواج با او جائز نیست و دلیلی برای لزوم یا استحباب احتیاط ندارد، بلکه ازدواج با وی حرام و باطل است و احتمال دارد که عدم تصریح امام به بطلان و حکم به احتیاط و سپس نهی از تزویج، به دلیل تقیه بوده است، چراکه فرض این است که طلاق طبق فقه اهل سنت، صحیح بوده است (مثل این که طلاق در حال حیض و یا طلاق ثلاثه در مجلس واحد صورت گرفته باشد، که هر دو مورد از نظر آنان صحیح است). حال امام، برای این که مخالفت صریح با فتوای اهل سنت در حکم به صحت چنین طلاقی نکرده باشند، در قالب لزوم احتیاط، از ازدواج نهی نموده است.

۲. شوهر قبلی این زن سنی بوده و طلاق، موافق با فتوای اهل سنت، ولی خلاف فقه شیعه واقع شده است و مردی که می خواهد با او ازدواج کند، شیعه است. در این

صورت، طبق قاعده «الزُّمُوهُمُ مِنْ ذَلِكَ مَا الزُّمُوهُ»، طلاق صحیح بوده و ازدواج فرد شیعی با این زن، طبق قاعده الزام صحیح بوده است که در این صورت، امر امام به احتیاط، حمل بر استحباب می‌شود.

در هر صورت، طبق احتمال اول که اصلاً طلاق محقق نشده و وجهی برای وجوب یا استحباب احتیاط نیست و طبق احتمال دوم، براساس قاعده الزام، ازدواج جائز بوده که در این صورت نیز، کلام امام حمل بر استحباب احتیاط می‌شود و بنا بر هر دو فرض، لزوم احتیاط در هنگام شک استفاده نمی‌شود تا بتوان برای لزوم احتیاط در محل بحث، به آن تمسک نمود.

### نتیجه گیری

از مجموع روایات مربوط به لزوم احتیاط در امور مربوط به فرج و ولد، به ضمیمه بیان مرحوم نائینی در تقریب اول بر لزوم احتیاط و نیز، ارتکاز متشرعه و همچنین آیاتی که بر وجوب حفظ فرج به صورت مؤکد امر نموده، عدم جواز ادخال نطفه مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه استفاده می‌شود و حتی اگر در برخی ادله هم مناقشه شود، باز هم از مجموع ادله، عدم جواز استفاده می‌شود.

### کتاب نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، دوم، ۱۴۱۳ق.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۴ق.
۳. اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشامیه، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲ق.
۴. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعه، اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ق.
۵. بحرانی، محمدسند، فقه الطب، بیروت، نشر مؤسسه أم القرى، چاپ اول، ۱۴۲۳.
۶. بطحایی، سید سبحان، سایت تبیان، هفته نامه افق حوزه.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ق.
۸. حکیم، سید محسن، منهاج الصالحین (المحشی للحکیم)، دار التعارف، بیروت، اول، ۱۴۱۰ق.
۹. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه حلی)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، اول، ۱۴۱۲ق.

۱۰. خویی، سید ابو القاسم، **معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال**، چاپ سوم، قم، منشورات مدینه العلم، ۱۴۰۳ق.
۱۱. \_\_\_\_\_، **منهاج الصالحین**، نشر مدینه العلم، قم، چاپ ۲۸، ۱۴۱۰ق.
۱۲. رازی، فخر الدین محمد بن حسین، **مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)**، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق.
۱۳. ضمیری، محمد رضا، **کتابشناسی تفصیلی مذاهب اسلامی**، قم، موسسه آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۱۴. غانم، عمر بن ابراهیم، **احکام الحیین فی الفقه الاسلامی**، بیروت، دار ابن خرم، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۱۵. قرشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ششم، ۱۴۱۲ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۷. کوفی، محمد بن محمد اشعث، **الجعفریات - الأشعثیات**، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران، اول، ق.
۱۸. مجله تخصصی مطالعه راهبردی زنان، **اهدای جنین در پرتو فقه و حقوق**، ش ۳۳، ۱۳۸۵ش.
۱۹. محسنی قندهاری، محمد آصف، **الفقه و مسائل طبیه**، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، اول، ۱۴۲۴ق.
۲۰. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، مرکز الکتاب للترجمة و النشر، تهران، اول، ۱۴۰۲ق.
۲۱. نایب‌زاده، عباس، **بررسی حقوقی روش‌های نوین باروری مصنوعی مادر جانشین**، اهدای تخمک، جنین، مجلد، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
۲۲. نجاشی، احمد بن علی، **رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشیعه**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ق.
۲۳. نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، بیروت، اول، ۱۴۰۸ق.
۲۴. نیشابوری، مسلم، **صحیح مسلم**، دار احیاء الکتب العربیة، بیروت، بی‌تا.

25. <https://www.folendo.com/threads>.

26. <http://www.eshia. Ir>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی